صحاح: «ازلی» منسوب «لم یزل» و «اثربی» منسوب «یثرب»

جوهری با ابن‌فارس معاصر بوده است. درگذشت جوهری را سیصد و نود و خردهای نوشته‌اند، سیصد و هشتاد را هم گفته‌اند. وفات ابن‌فارس هم سیصد و نود و شش است. حدود ده-دوازده سال بعد از شیخ صدوق وفات کرده است. شاید معمّر بوده است. مرحوم صدوق هم هشتاد ساله بوده‌اند. تولد ابن فارس یادم نیست. در فدکیه نگاه کنید. نوعاً سال تولد را می‌آورم. ببینید سال تولد ایشان چه زمانی بوده است.

علی أیّ حال، جوهری در صحاح اضافه‌ای هم می‌آورد. ایشان می‌گویند: «ازنی»، جوهری برای یثرب را هم می‌آورد. «یثرب» مدینه است. وقتی می‌خواهند منسوب کنند، می‌گویند «یثربی». ایشان می‌گویند وقتی منسوب می‌کنند «یثربی» نمی‌گویند، می‌گویند «اثربی». این را صحاح اللغة جوهری می‌گوید؛ مثال اضافه می‌زند. هم به «ازنی» مثال می‌زند و هم به «اثربی». این‌ها مثال‌های خیلی خوبی است. مخصوصاً «ذی یزن» که ذی را انداخته‌اند.

بنابراین در اینجا هم «لم یزل» بوده است و می‌خواستند منسوب کنند، «لم» را برای نسبت انداخته‌اند و گفته‌اند: «یزلی» و بعد شده است «ازلی». پس اصل «ازل»، همان «لم یزل» است. همینی که ابن‌فارس گفته است.

شاگرد: تاریخ تولد ابن‌فارس معلوم نیست. وفاتش سیصد و نود و پنج است.

استاد: در فدکیه نیاورده‌ام؟ اگر معلوم نبوده است، سه تا صفر گذاشته‌ام.

شاگرد ۲: ظاهراً نکته، تتبعی می‌خواهد، ولی همینطور که نگاه می‌کنیم، ممکن است یک فارقی باشد. در «ذی یزن» گویا «ذی» قوام معنا نداشته است، ولی در «لم یزل» وقتی بخواهید نسبت بدهید، کلمه‌ای را بر می‌دارید که اگر آن را بردارید خلاف مقصود اصلی شکل می‌گیرد. «لم یزل» بوده است، وقتی بخواهید بگویید «لم یزلی»، بگویید «یزلی».

استاد: ولی خُب، معنای آن باقی‌مانده است. الآن که «ازل» می‌گویی‌م، ذره‌ای زوال در آن نیست. یعنی شما می‌بینید کاملاً معنای نفی زوال، خودش را در ازل حفظ کرده است. «ازل» یعنی نفی زوال.

شاگرد: خیر؛ این پیش‌فرض این است که درست باشد، ولی ممکن است کسی بگوید ازل معنای دیگری دارد.

استاد: این الآن به ذهن بنده آمده است؛ اگر جلوتر چیزی گفته‌ام، الان یادم نیست. بعید هم هست. چون آن وقت‌ها که ما مباحثه می‌کردیم، این نرم‌افزارهای دم دستی که یک دفعه سی-چهل

کتاب را می‌آورند، نبود. این‌ها نعمت‌های امروزی است. آن وقتی که ما مباحثه می‌کردیم، فایل‌هایش هم موجود است، سه-چهار جلسه راجع به ازل صحبت کردیم. یادم هم نیست چه گفته‌ام. از این‌که چیزی یادم نبود، معلوم می‌شود اگر فکر کرده باشم به جای روشن نرسیده بوده است که در ذهنم بماند.

علی أی‌ّحال، نکته‌ای که در اینجا هست، این است: این جلسه که این‌ها را خدمت شما می‌گویم، بحث لغوی‌ای است که روی آن کار شده و چکش خورده است. یعنی الآن بالای هزار سال است که حرف این‌ها آمده است و لغوی‌ین آن را تلقی به قبول کرده‌اند. می‌دیدند که ازل با ساری موارد کارکردش، جور در می‌آید. حال به‌خاطر فرمایش ایشان بحث ما منتقل می‌شود به «لم یزل». فعلاً روی فرض قبول آن بحث می‌کنیم. این جمله‌ی خطبه‌ی شریفه، خیلی عالی شد.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:51:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 14:02:57 توسط ... .